



داد چون نقشی پر از پیچیدگی است. آیا شما هم معتقد هستید که این نقش یک شاه نقش است؟ چه جزئیاتی را در این نقش پررنگ می‌دانید؟

این کاراکتر از زمانی که خلق شده جذابیتی پنهان داشته است. کاراکتر امیر شایگان در درجه اول به دلیل شناسنامه‌ی واقعی این قشر دیده نشده و آدم‌های در سایه جامعه‌ی ما، جذابیت و اهمیت دارد. دوم از این جهت که نوع نگاه نویسندگان به او به عنوان یک کاراکتر نمایشی باعث شده تا چندوجهی شود و جلوه‌ی انسانی داشته باشد؛ نقاط مثبت و منفی، غرایز، خوبی‌ها و بدی‌ها، عقده‌ها و حقارت‌ها و اینکه چه میزانی از این موارد را در سریالی که کاراکترهای متفاوتی دارد، نشان دهد تا بتوان به قول شما عنوان شاه نقش را به او داد که برای مخاطب جذاب شود و ایجاد کنجکاوی کند و با او همدلی و همراهی کند. این شخصیت می‌توانست منفور، تخت و یک‌بعدی شود اما نویسنده و کارگردان بازیگر به درک خوبی از نقشی رسیده‌اند که می‌تواند برای هر بازیگری یک آرزو باشد. به خصوص از جهت اینکه خود را به چالش بکشد و در مواجهه با یک نقش منفی آن را با ظرافت خاکستری کند. بهداد با ظرافت خاص و زیرپوستی و کنترل بر نگاه‌ها، بیان و صدا و همچنین تمرکزی که بر دیالوگ‌هایش دارد، این کار را کرده است. این نتیجه حاصل تعامل خوب بازیگر با کارگردان هم هست که از جنبه‌های جدیدتر و متفاوت‌تر بهداد بهره‌برداری کرده است. این موارد باعث شده امیر شایگان را به عنوان یک شاه نقش بپذیریم.



از گردان نقش مهمی در دیده شدن ظرافت‌های بازی بازیگر دارد. او است که می‌تواند با میزانشن و دکوپاژی که می‌دهد توجه حتی یک مخاطب کم توجه دراماتیک و جلوه‌ی بازیگری یا حس زیر پوستی که رد و بدل می‌شود، جلب کند چرا که با این کار به پردازش شخصیت کمک می‌کند. در سینیما و تلویزیون کارگردان‌های نامتبحر زیادی دیده‌ایم که بازی خوب بازیگر را با انتخاب نماهای غلط و از دست رفتن حس‌ها و لحظه‌های خاص نابود کرده‌اند. در چنین مواردی دیگر تقصیر بازیگر نیست چون خودش را در اختیار کارگردان و فیلمنامه قرار داده تا بتواند بهترین بازی و اکت خود را در جهت درام و قصه ثبت کند که مخاطب او را بپذیرد. در نتیجه کارگردان می‌تواند همه‌ی این حس‌های زیرپوستی را در کنار بازی و درک درست بازیگر ثبت کند و آن‌ها را به گونه‌ای کنار هم قرار دهد که قصه و کاراکتر را ملموس و گویا کند. این اتفاق در کارگردانی شهرام شاه‌حسینی در بخش اعظم سریال عملی شده است. البته نقاط ضعف دیگری درباری کلیت کار قابل طرح است اما چون صحبت مادر باره‌ی این کاراکتر و ثبت امیر شایگان در تعامل بین کارگردان و بازیگر است، باید بگویم کارگردان بده‌بستان و هوش خوبی برای تعامل با بازیگر داشته است.

شکل بازی حامد بهداد در این نقش، می‌تواند برای کسانی که به جزئیات بازی آدم‌ها توجه می‌کنند مهم باشد. ما انواع و اقسام احساسات و حالات متفاوت روحی را در او با این نقش می‌بینیم که این احساسات را خیلی هم خوب در می‌آورد. بدون اینکه کمک زیادی از اکت بگیرد، به وسیله‌ی نگاه کردن و یا حتی حرکات آهسته‌ای که دارد، این حس را القای کند. شما چقدر به جزئیات تغییر بازی او در این سریال توجه کرده‌اید؟

همانطور که اشاره کردم کارگردان نقش مهمی در دیده شدن ظرافت‌های بازی بازیگر دارد. او است که می‌تواند با میزانشن و دکوپاژی که می‌دهد توجه حتی یک مخاطب کم توجه را به یک موقعیت دراماتیک و جلوه‌ی بازیگری یا حس زیرپوستی که رد و بدل می‌شود، جلب کند چرا که با این کار به پردازش شخصیت کمک می‌کند. در سینیما و تلویزیون کارگردان‌های نامتبحر زیادی دیده‌ایم که بازی خوب بازیگر را با انتخاب نماهای غلط و از دست رفتن حس‌ها و لحظه‌های خاص نابود کرده‌اند. در چنین مواردی دیگر تقصیر بازیگر نیست چون خودش را در اختیار کارگردان و فیلمنامه قرار داده تا بتواند بهترین بازی و اکت خود را در جهت درام و قصه ثبت کند که مخاطب او را بپذیرد. در نتیجه کارگردان می‌تواند همه‌ی این حس‌های زیرپوستی را در کنار بازی و درک درست بازیگر ثبت کند و آن‌ها را به گونه‌ای کنار هم قرار دهد که قصه و کاراکتر را ملموس و گویا کند. این اتفاق در کارگردانی شهرام شاه‌حسینی در بخش اعظم سریال عملی شده است. البته نقاط ضعف دیگری درباری کلیت کار قابل طرح است اما چون صحبت مادر باره‌ی این کاراکتر و ثبت امیر شایگان در تعامل بین کارگردان و بازیگر است، باید بگویم کارگردان بده‌بستان و هوش خوبی برای تعامل با بازیگر داشته است.

این شناخت از بازیگر که توسط شهرام شاه‌حسینی اتفاق افتاده، چقدر مهم است؟ به این خاطر که ما می‌بینیم در «خانه دختر» هم شاه‌حسینی نقش خوبی را به بهداد سپرده و او هم از پیش برآمده است. کما اینکه کاندید نشدن و دیده نشدن این فیلم در جشنواره‌ی فجر نظر منفی خیلی از منتقدان را به همراه داشت. اگر فرض بگیریم که کارگردان این کار شخص دیگری بود آیا باز هم حامد بهداد می‌توانست به همین اندازه موفق باشد؟

قطعا انتخاب بازیگر متناسب با نقش بر اساس شناخت می‌تواند کمک کننده باشد. این دو تجربه‌ی خوبی در «خانه دختر» داشتند اما آن فیلم به واسطه ممیزی نبود شد. طبعاً زمینه و نگاه مشترکی که از قبل داشته‌اند در این تعامل درست، اهمیت زیادی دارد اما دلیل نمی‌شود بگوییم کارگردان دیگری نمی‌توانست از بهداد این بازی را بگیرد چرا که به نظر من او خودش هم بازیگر باهوشی است. مثلاً قبل از «قصر شیرین» رضامیر کربمی و بهداد همکاری نداشتند و من وقتی خبر همکاری آنها را شنیدم، کنجکاو شدم که حاصل کار چه خواهد شد که دیدیم خیلی هم خوب شد. به نظر من تعامل و هوش کارگردان در ارتباطش با بازیگر نقش مهمی دارد؛ البته شناختی که از او دارد نه اینکه همکاری قبلی داشته باشند.

خیلی‌ها می‌گویند که گریم این کار، آرایش مو و صورت، شکل پوشش و طراحی لباس به بیشتر جلوه کردن این نقش کمک کرده است. هوشمندی طراح گریم که احتمالاً با نظر شهرام شاه‌حسینی همراه بوده این است که گریم صورت حامد بهداد را متفاوت از آنچه تا الان از او دیده بودیم پیاده کرده است. آیا شما هم این امتیاز را به نقش می‌دهید؟